



دیپلماسی علمی و بایسته‌های آن در سیاست خارجی افغانستان

امان‌الله شفاپی^۱

چکیده

دیپلماسی علمی ابزاری نسبتاً نوظهور اما بسیار مهم و کارآمد در عرصه سیاست خارجی و تأمین منافع ملی است. با وجود این، دستگاه دیپلماسی افغانستان در حال حاضر امکان استفاده بهینه از آن را در سیاست خارجی خود ندارد. ایده اصلی این نوشته آن است تا توضیح دهد دیپلماسی علمی چرا در عرصه روابط بین‌الملل بسیار مهم انگاشته می‌شود و جایگاه افغانستان در این عرصه در کجاست و بایسته‌های رویکرد سیاست خارجی افغانستان به دیپلماسی علمی که بعضاً «دیپلماسی علم و فناوری» گفته می‌شود، چیست. یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست خارجی افغانستان در بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی کاملاً زمین‌گیر و منفعل است و به دلیل ضعف مفرط وضعیت علوم و فنون در این کشور، افغانستان از سوی بازیگران جهانی و منطقه‌ای جدی گرفته نمی‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود که (۱) می‌بایست بنه‌های آموزش و پژوهش در سطوح تعلیمی و تحصیلی تقویت شود؛ (۲) رویکرد تولیدی به علم و فناوری جدی انگاشته شود؛ (۳) نهادهای مسئول سیاست خارجی به علم و فن به‌عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی بنگرند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی علمی، علم و فناوری، سیاست خارجی، افغانستان.

۱. پژوهشگر و استاد دانشگاه (aman.shafa@yahoo.com)

مقدمه

دیپلماسی در عصر جدید روابط بین‌الملل، مدت‌هاست که روش‌های سنتی را پشت سر گذاشته و ابعاد جدیدی یافته است. اگر در گذشته واژه «دیپلماسی» به معنای «حل و فصل موضوعات میان دولت‌ها از طریق مذاکره و گفت‌وگو»، تلقی می‌شد، در حال حاضر این واژه بدون دنباله، مفهوم روشن و مبرهنی به دست نمی‌دهد. در حقیقت به لطف جهانی‌شدن و رقیق شدن مرزها و افزون‌شدن ارتباطات میان دولت‌ها و ملت‌ها، دیپلماسی ابعاد و زوایای وسیعی به خود گرفته است. اگر در چند دهه اخیر، اصطلاح «دیپلماسی عمومی» به موازات دیپلماسی رسمی، از سوی قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گرفته است، در حال حاضر این اصطلاح چنان کلی تلقی می‌شود که می‌بایست دامنه آن را با پسوندهایی مانند «رسانه‌ای»، «فرهنگی»، «آموزشی»، «ورزشی»، «علمی» و... مشخص نمود؛ چه آن که نقشی که اکنون رسانه، فرهنگ، آموزش، ورزش و علم و فناوری در عرصه روابط بین‌الملل بر عهده گرفته است، هرگز فروتر از نقشی که دیپلمات‌ها در مناسبات دیپلماتیک میان کشورها انجام می‌دهند، نیست.

دیپلماسی علمی که بعضاً «دیپلماسی علم و فناوری» خوانده می‌شود، ظرفیت‌های بسیاری در مدیریت سیاست خارجی کشورها در جهان کنونی بر عهده گرفته است. اگر به آمار و ارقام مبادلات علمی و فناوری میان قدرت‌های بزرگ در دوره پس از جنگ سرد نظری بیفکنیم، روشن می‌شود که سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، روسیه، چین، انگلستان، ژاپن و آلمان، هدفمندانه رویکرد تکیه به عنصر علم و فناوری را در تعاملات بین‌المللی در پیش گرفته‌اند؛ کما این که برخی از کشورهای در حال توسعه نیز در یکی دو دهه اخیر با توجه به ظرفیت‌های علم و فناوری در عرصه سیاست خارجی، به دیپلماسی علمی روی خوش نشان داده و در چارچوب برنامه‌های مدون، گام‌های بلندی را در این زمینه برداشته‌اند.

در رابطه با افغانستان باید یک حقیقت تلخ را پذیرفت و آن این که افغانستان نه در گذشته و نه اکنون بهره‌ای از دیپلماسی علمی برده است و نه در آینده نزدیک امکان استفاده از دیپلماسی علمی را دارد؛ چه آن که دیپلماسی علمی مبتنی بر وضعیت مطلوب علم، تکنولوژی و فناوری در یک کشور است. چهار دهه بی‌ثباتی و بحران، شدیدترین ضربه‌ها را به جایگاه علم و دانش در این کشور وارد نموده و آن را به یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان تبدیل کرده است. کشوری که در عرصه تولید علم و فن تقریباً در نقطه صفر قرار دارد، چگونه می‌تواند در عرصه

سیاست خارجی که بازیگران آن بر توانایی‌های علمی و تکنیکی خود مباحثات می‌کنند، اهداف و منافع ملی کشور را تأمین کند؟ هرچند که تأمین منافع و اهداف ملی منحصر در بهره‌گیری از دیپلماسی علمی نیست؛ اما افغانستان ناگزیر است که به قافله علم و دانش بپیوندد و متعاقب آن سیاست خارجی خود را با وضعیت علم و فناوری در سطوح جهانی و حتی‌المقدور منطقه‌ای تراز نماید. این مقاله می‌کوشد ضمن تشریح اهمیت و جایگاه دیپلماسی علمی در روابط بین‌الملل، بر پایه‌های بهره‌گیری افغانستان از ظرفیت‌های آن در مناسبات دیپلماتیک تأکید کند.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. دیپلماسی

دیپلماسی^۱ واژه‌ای است برگرفته از ریشه یونانی «Diploma» به مفهوم نوشته طومارگونه‌ای که به موجب آن امتیازهای خاصی به کسی داده می‌شود. این واژه بعدها در ادبیات سیاسی در خصوص فرستادگان دولت‌ها به دیگر کشورها اطلاق می‌شد. در متون علمی از دیپلماسی به‌عنوان رویکردی مسالمت‌آمیز و غیر تخصصی در مدیریت روابط بین‌المللی تعبیر شده است که اغلب از طریق گفت‌وگو، مذاکره و مصالحه توسط نمایندگان رسمی یک کشور در پیش گرفته می‌شود. (Davis, 2014) به نظر می‌رسد اصطلاح دیپلماسی در دوره‌ای اهمیت یافت که سیاست بین‌الملل را قدرت سخت تعیین می‌کرد؛ لذا دیپلماسی روش متفاوتی بود که از زور فراتر می‌رفت؛ لذا تقریباً در تمامی تعریف‌هایی که از آن صورت گرفته، عناصر «مذاکره» و «مسالمت‌آمیز» مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که گفته شده است: «دیپلماسی در سیاست جهانی عبارت است از فرآیند ارتباط بین بازیگران بین‌المللی که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل نمایند. این فرایند در طول قرن‌ها پالایش و نهادینه شده و به‌صورت حرفه‌ای درآمده است؛ بنابراین، دیپلماسی اصولاً با تلاش‌هایی برای مدیریت و ایجاد نظم در محدوده یک نظام جهانی در ارتباط است و هدف از آن ممانعت از تبدیل تعارض به جنگ است.» (بیلیس، ۱۳۸۳: ۷۱۵). در نگاه کلی، دیپلماسی حوزه‌های سه‌گانه را مدنظر قرار می‌دهد: (۱) اداره امور بین‌المللی به وسیله مأموران سیاسی؛ (۲) اداره امور بین دولت‌ها به وسیله روش‌های مسالمت‌آمیز؛ (۳) هنر دیپلمات در اداره امور خارجی دولت توسط وسایل مسالمت‌آمیز خصوصاً مذاکره و گفت‌وگو

1. Diplomacy.

(بابایی، ۱۳۷۷: ۱۲۶). ناگفته نماند که امروزه استفاده از مفهوم دیپلماسی عمومیت پیدا کرده و اغلب با مفاهیمی هم‌چون «روابط بین‌الملل»، «سیاست جهانی» و «سیاست خارجی» مترادف تلقی می‌شود (وایت، ۱۳۷۹: ۱۵).

۱-۲. دیپلماسی علمی

با توجه به شاخه‌های بسیاری که در نیم قرن اخیر از تنه دیپلماسی روییده است، به ضرس قاطع نمی‌توان گفت که دیپلماسی علمی در ذیل دیپلماسی رسمی می‌گنجد و یا غیر رسمی؛ از آن‌جا که مانند دیپلماسی عمومی، افکار و اذهان ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد، غیر رسمی است و از این حیث که تعامل‌های علمی نهایتاً میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد، رسمی است. تعاریف ارائه‌شده از دیپلماسی علمی، نشان می‌دهد که این مقوله مبحثی میان‌رشته‌ای است و کارکرد دوگانه دارد؛ چه آن‌که حاصل تلفیق دو عنصر مستقل دیپلماسی و علم است (Oxford, 2018). در حقیقت، مفهوم دیپلماسی علمی در ادبیات مربوط به سیاست‌گذاری علم و فناوری و نیز حیطه دیپلماسی عمومی رواج فزاینده‌ای یافته و بر همین اساس شیوع پیدا کرده است. (Cyra- 2010: 463 & noski, 2010) با توجه به وسعت مفهوم «علم و فناوری»، در تعاریف متعددی که از سوی اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل از دیپلماسی علمی ارائه شده، صرفاً به جنبه‌ها و ابعاد محدودی اشارت رفته است؛ اما به نظر می‌رسد آن‌چه آکادمی جهانی علوم^۱ ارائه نموده، کامل‌ترین آن‌هاست. مطابق توضیح این آکادمی، زمانی که دانشمندان برای پروژه‌های چندملیتی درباره علوم فضایی یا فیزیک گرد هم می‌آیند، دولت‌های آن‌ها توافق‌های دیپلماتیکی را برای مدیریت و تأمین مالی این پروژه‌ها تدوین می‌کنند. زمانی هم که روابط سیاسی میان دو کشور تیره یا قطع می‌شود، تلاش‌های مشترک در حوزه پژوهشی می‌تواند به آن‌ها ابزاری برای ادامه مذاکره و اعتمادسازی بدهد. (TWAS, 2016)

هرچند «علم» مفهومی گسترده دارد و حوزه‌های مختلف علوم انسانی و طبیعی را دربرمی‌گیرد؛ اما هم تعریف فوق و هم کارنامه دولت‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی علمی غالباً به حوزه تکنولوژی و فناوری نظر دارد؛ کما این‌که در برخی از تعریف‌هایی که از مفهوم مطلق دیپلماسی به دست داده شده نیز به جایگاه ابزاری فناوری در تعاملات دیپلماتیک تأکید شده است (قوام، ۱۳۸۴: ۷-۱۸). به طور کلی، می‌توان گفت که با توجه به تحولات سریع در جهان و پیچیدگی

1. The World Academy of Sciences.

روزافزون سازوکارهای ارتباطات بین‌المللی و نیز با توجه به پدیدار شدن مفاهیم جدیدی از دیپلماسی مانند دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی دیجیتال، برای تنظیم مناسبات بین‌المللی مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، راهبردها، سازوکارها و عواملی مورد نیاز است که در مجموع از آن می‌توان به «دیپلماسی علمی» تعبیر کرد (ذوالفقارزاده و ثنائی، ۱۳۹۲: ۴۵-۶۶). هرچند که بعضاً نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیپلماسی علمی اغراق می‌شود؛ اما تردیدی نیست که این مدل از دیپلماسی به دنبال تعقیب اهداف ذیل است: «بسترسازی محیط مناسب برای ایفای نقش مؤثرتر وزارت امور خارجه در توسعه علم و فناوری در نظام نوآوری»، «استفاده از دستاوردهای علم و فناوری به‌خصوص دانش فنی و محصولات دانش‌بنیان به‌عنوان یک ابزار برای توسعه حوزه دیپلماسی کشور»، «ارائه تصویری مطلوب از توانمندی‌ها و اقتدار ملی و کسب وجهه و حیثیت بین‌المللی به‌عنوان کشوری توسعه‌یافته در جهت پیشبرد اهداف دیپلماسی کشور»، «قرار گرفتن در مسیر تحولات فناوری دنیا و بسترسازی برای انتقال فناوری با کمک دستگاه دیپلماسی رسمی»، «ایجاد و بهبود روابط با کشورهای گوناگون به دلیل حساسیت اندک مقوله علم و فناوری در عرصه بین‌الملل و اثرگذار بودن آن در تمامی کشورها»، «ایجاد ارزش افزوده و کسب سود از طریق توسعه فعالیت‌های علمی و فناوری در اثر تعاملات علمی و فناوری با کشورهای مختلف» (هادیان، ۱۳۹۲) و «حل چالش‌های جهانی مرتبط با افزایش جمعیت، محیط‌زیست، غذا، انرژی، منابع و فقر که نیازمند همکاری‌های بین‌المللی هستند» (Nye, 2004).

بنیاد اندیشه

۲. ابعاد دیپلماسی علمی در روابط بین‌الملل

دیپلماسی علمی دارای مفهوم چندبعدی است که می‌توان هر سه بعد سیاست، اقتصاد و علم را در آینه آن مشاهده کرد؛ لذا می‌توان گفت که دیپلماسی علمی طیف گسترده‌ای از تبادلات رسمی یا غیر رسمی در حوزه‌های فنی، تحقیق‌محور، دانشگاهی، فناورانه و... را دربرمی‌گیرد (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۴۴)؛ چرا که در عصر جهانی‌شدن هر امری می‌تواند رنگ سیاسی به خود گرفته و به‌عنوان گزاره دیپلماتیک تلقی گردد. پیش از این گذشت که در ترکیب دیپلماسی علمی، «دیپلماسی» و «علم» به هم آمیخته‌اند و مفهوم موسعی به دست داده‌اند. بدون تردید، این امر مرهون قابلیت است که در مفهوم علم و فناوری وجود دارد و نگاه به آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی، می‌تواند مصدري برای تعیین راهبردهای دیپلماتیک دولت‌ها واقع شود. به طور کلی، در امتزاج دو مقوله علم و دیپلماسی حالت‌های

سه‌گانه‌ای پدید می‌آید که نهایتاً همگان در خدمت سیاست خارجی دولت‌ها واقع می‌گردند؛ اما این حالت سوم است که با منطبق و مرام دیپلماسی علمی راست می‌آید. این حالت‌ها عبارتند از:

۱. علم در دیپلماسی: علم در دیپلماسی به توصیف نقش علم و فناوری در ارائه مشاوره به منظور آگاهی‌بخشی و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی می‌پردازد. کارکرد علم در دیپلماسی، حصول اطمینان از این مطلب است که سیاست‌گذاران، مشاوره علمی باکیفیت را به‌طور مؤثری اخذ نمایند. به عبارت دیگر، علم در دیپلماسی با مجهز نمودن تصمیم‌گیرندگان بین‌المللی به درک و دانش علمی مورد نیاز برای مواجهه با تقاضاهای پیچیده مرتبط با علم و فناوری در ارتباط است. تصمیمات سیاست خارجی، هرچه بیشتر و بیشتر، بر پایه اطلاعاتی که علم و جامعه علمی فراهم می‌آورند، ترسیم می‌شود.

۲. دیپلماسی برای علم: علم ذاتاً ماهیتی مشارکتی و انباشتی دارد؛ بدین معنا که توسعه آن مستلزم استمرار پژوهش‌های گذشته و دانش‌افزایی به یافته‌های پیشین است. این ویژگی علم، همکاری و تعاملات گسترده بین محققان و جوامع علمی را ایجاب می‌کند. زمانی که این همکاری‌ها ماهیت فراملی پیدا کنند و مستلزم مشارکت و همکاری محققان و جوامع علمی از کشورهای مختلف باشند، از آن به همکاری‌های علمی بین‌المللی تعبیر می‌شود؛ اما هر نوع از همکاری علمی بین‌المللی را نمی‌توان مصداقی از دیپلماسی علم دانست؛ بلکه صرفاً آن دسته از همکاری‌ها را که در آن دیپلماسی یک تسهیل‌کننده کلیدی برای تحقیقات و توسعه علم و فناوری باشد را می‌توان به‌عنوان یکی از ابعاد دیپلماسی علم قلمداد نمود.

۳. علم برای دیپلماسی: دیپلماسی، هدایت روابط یک کشور با دیگر کشورها از طریق روش‌های صلح‌آمیز توصیف شده است؛ بنابراین، کشورها می‌توانند از ابزارهای متنوعی برای برقراری روابط رسمی بهره‌جویند؛ به‌عنوان مثال: دیپلماسی فرهنگی از موسیقی و هنر برای ایجاد نقاط تعامل بین کشورها استفاده می‌کند؛ این نوع از دیپلماسی مستقل از زبان ملت‌هاست و ریشه در نیازهای فطری بشر دارد. علم ابزار دیگری برای دیپلماسی است که جاذبه آن از نیاز اساسی انسان به دانستن و ساختن نشأت می‌گیرد. از آنجا که علم بی‌طرفانه و عینی‌پنداشته می‌شود، به‌عنوان مقوله‌ای غیرسیاسی در بحث‌های

دیپلماتیک بسیار سودمند است (عفت نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵-۶).

۳. اهمیت دیپلماسی علمی در روابط بین‌الملل

دیپلماسی در جهان کنونی از محدوده قرائت‌های سنتی بیرون آمده و معانی و کارکردهای جدیدی یافته است. در حال حاضر، کشورها از همه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود به منزله ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی در قالب‌های گوناگون دیپلماسی استفاده می‌کنند. با این رویکرد، جوامع علمی به تنهایی قادرند کاری را به سرانجام برسانند که دیپلمات‌ها ناتوان از انجام آن‌اند. در حال حاضر، موضوع علم و فناوری به بحث روز محافل علمی و سیاسی تبدیل شده است. دیپلماسی علم و فناوری دارای ماهیت سیاسی- فرهنگی است که به منزله نوع جدیدی از دیپلماسی کشورها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در دستور کار قرار گرفته است (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۴۲). بی‌گمان، اهمیت دیپلماسی علمی در روابط بین‌الملل تابع اهمیت زایدالوصفی است که علم، تکنولوژی و فناوری پیدا کرده است. در حال حاضر، علم و فناوری شاخص بسیار مهمی در تعیین قدرت ملی کشورها شناخته می‌شود و کشورهای پیشرو در عرصه تولید علم و دانش‌های بنیادین به غایت مورد احترام جامعه بین‌المللی‌اند.

از سوی دیگر، با بالا گرفتن کار علم و فناوری به‌عنوان عنصر مهم در تعیین قدرت ملی، دولت‌ها این امکان را یافته‌اند که مهار آن را به دست گرفته و از آن به‌عنوان ابزار پیشبرد اهداف ملی و تحصیل منافع ملی استفاده کنند. در واقع، همگام با تغییر و تحولات گسترده و عمیق دهه‌های اخیر در هر دو حوزه علم و فناوری و تعاملات بین‌المللی، تأثیر و تأثر این دو مقوله بیش از گذشته نمایان شده است؛ به نحوی که تلاقی این دو موضوع در ادبیات علمی، در قالب مفهوم دیپلماسی علم و فناوری به وضوح قابل مشاهده است؛ بنابراین، در حالی که دیپلماسی اقتصادی، دفاعی و عمومی ابزارهای قابل اتکایی برای افزایش نقش و جایگاه کشورها در عرصه بین‌المللی‌اند، امروزه نمی‌توان از نقش دیپلماسی علمی در افزایش قدرت و نقش یک کشور در عرصه بین‌المللی غافل بود. امروزه، نوع سنتی دیپلماسی برای حل و فصل تعارضات ناکافی است و لازم است که انواع دیگر دیپلماسی به کار گرفته شود و البته که دیپلماسی علمی در این چهارچوب اهمیت زیادی دارد. حتی اگر علم با اهداف سوء مورد توجه قرار گیرد، دیپلماسی علمی بدین معنا است که همکاری علمی می‌تواند از راه‌حل‌های صلح‌آمیز حمایت کند (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

هرچند دیپلماسی علمی به‌عنوان پدیده نوظهور در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است؛ اما تجربه نشان می‌دهد این مکانیسم در سال‌های اخیر به بهبود روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها کمک کرده است (نظیف‌کار، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۶). به عبارت دیگر، در شرایطی که کانال‌های رسمی میان دولت‌ها به بن‌بست می‌رسد، دیپلماسی علمی به مانند سایر رشته‌های دیپلماسی عمومی، منفذ جدیدی می‌گشاید. به عبارت دیگر، «در مواقعی که روابط و ارتباطات سیاسی ضعیف و شکننده می‌شوند، علم نه‌تنها توانایی برقراری روابط میان جوامع را دارد؛ بلکه می‌تواند در موضوعات دیپلماتیک، مذاکرات و موافقت‌نامه‌ها به کمک دستگاه دیپلماسی بشتابد. این رویکرد نیز از سه طریق "کمک به بازاریابی"، "تأمین نیازمندی‌های علمی و فناوری" و "حمایت دیپلماتیک از سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی" انجام‌پذیر است.» (معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۰: ۲-۳).

۴. منزلت دیپلماسی علمی در سیاست خارجی دولت‌ها

تقریباً از ابتدای ایجاد روابط بین‌الملل تا پایان جنگ دوم جهانی، نگاه دولت‌ها به علم و فناوری معطوف به افزایش قدرت و سیطره بر جهان پیرامون بود. به عبارت دیگر، علم و تکنولوژی به قدرت‌های بزرگ این امکان را فراهم می‌کرد تا با تکیه بر توانمندی‌های تکنیکی و فنی، به‌ویژه در عرصه صنعت نظامی، چهره هژمون از خود ترسیم کنند؛ بنابراین، تا این دوره علم در خدمت قدرت سخت بود و البته که نمی‌توان نام آن را دیپلماسی نهاد؛ اما پس از آن، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، علم و فناوری در حوزه قدرت نرم مورد توجه قرار گرفت و مطابق با منطبق اقتناع، چهره جدیدی از دیپلماسی را به نمایش گذاشت. در واقع، تا قبل از جنگ جهانی دوم نظامی‌گری حرف اول را در روابط بین‌الملل می‌زد؛ پس از شکل‌گیری جنگ سرد، تبلیغات نقش برجسته‌تری پیدا کرد؛ پس از آن اقتصاد به وجه غالب تبدیل شد؛ ولی امروزه علم و فناوری از اهمیت ویژه‌ای در عرصه بین‌المللی برخوردار شده است. با گذر از دهه ۱۹۷۰ و با توجه به تحولاتی که در فناوری ارتباطات پدیدار شد، روند جدیدی به نام «جهانی‌شدن» آغاز گردید که از ویژگی‌های آن افزایش ارتباطات میان‌مردمی و کمرنگ شدن مرزهای سیاسی و افول حاکمیت‌های ملی است (داودی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

دیپلماسی علمی در عرصه عمل برای نخستین‌بار و به‌صورت مشهود در دوره پس از جنگ

سرد میان دو بلوک شرق و غرب از سوی دو ابرقدرت آن زمان اتفاق افتاد. در آن دوره در شرایطی که تعاملات سیاسی کشورهای مختلف، به‌ویژه آمریکا و اتحاد شوروی، به بن‌بست رسیده بود، همکاری‌های حوزه‌های علم و فناوری می‌توانست ارتباط حداقلی بین کشورها برقرار کند. در واقع، تحلیل‌گران به این نتیجه رسیده بودند که علم و فناوری این ظرفیت را دارد که بین بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل تعامل پایدار ایجاد کند. پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و سازمان‌هایی نیز پدید آمده است که در حوزه علمی و فناوری مشغول فعالیت‌اند. در این عرصه پیمان‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی نیز به تصویب رسیده که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (ان‌پی‌تی) اشاره کرد (کولایی و عزیز، ۱۳۹۶: ۱۰۴۸).

در حال حاضر نیز نه تنها قدرت‌های بزرگ بلکه قدرت‌های متوسط نیز چشم داشت مشهودی به دیپلماسی علمی دارند. در حقیقت، قدرت‌های نوظهور آسیایی مانند هند، پاکستان، ایران، کره جنوبی، و مالزی که موفقیت‌های قابل توجهی در حوزه‌های علم و فناوری داشته‌اند، از ظرفیت‌های آن در سیاست خارجی کمک می‌گیرند. در حال حاضر، این کشورها شمار بزرگی از دانشجویان دیگر کشورها را در خود پذیرفته‌اند و جدیدترین یافته‌های علمی خود را به انحاء مختلف با سیاست خارجی پیوند زده‌اند. در حقیقت، ظرفیت‌های علمی و فنی‌ای که در مراکز آکادمیک و دانشگاه‌های این کشورها ایجاد شده، چهره متفاوتی از آن‌ها در عرصه بین‌المللی ترسیم کرده است. در حقیقت، کشوری که تولیدات علمی و فناوری خود را به رخ جهانیان می‌کشد و درب مراکز علمی خود را به روی دیگران می‌گشاید، به همان اندازه در عرصه بین‌الملل جدی پنداشته می‌شود.

۵. دیپلماسی علمی و قدرت نرم

تاریخ روابط بین‌الملل تا پایان جنگ جهانی دوم را عمدتاً استفاده از قدرت سخت رقم زده است؛ اما پس از آن دیپلماسی رفته‌رفته چهره دیگری از خود را نمایانده که در ادبیات اندیشمندان حوزه دیپلماسی «قدرت نرم» خوانده می‌شود. برای نخستین بار این «جوزف اس. نای» بود که این اصطلاح را وارد ادبیات روابط بین‌الملل نمود. او قدرت نرم را «توانایی متقاعدسازی از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و اندیشه‌ها» تعریف می‌کند؛ در حالی که قدرت سخت از طریق قدرت نظامی برای ایجاد سلطه و اعمال زور استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، نای دارای دو لایه نرم

و سخت می‌داند. قدرت نظامی و اقتصادی به‌مثابه قدرت سخت است که می‌تواند دیگران را به تغییر مواضع‌شان سوق دهد. این نوع قدرت بر پادشاه‌ها و تهدیدها مبتنی است؛ اما گاهی نیز می‌توان نتایج دلخواه را بدون تهدید یا پاداش ملموس کسب کرد. این شیوه رسیدن غیر مستقیم به نتایج مطلوب «چهره دوم قدرت» یا قدرت نرم نامیده می‌شود (نای، ۱۳۸۹: ۴۳). نای در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای که در ماهنامه «آنتلانتیک» منتشر شد، با تأکید بر اهمیت قدرت نرم، قدرت را در آینده کنترل و انتشار اطلاعات و توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر دانست (Nye, ۱۹۹۰).

قابطه اندیشمندانی که پیرامون دیپلماسی علمی مطالعه می‌کنند، دیپلماسی علمی را از مصادیق بارز قدرت نرم می‌شمارند. به باور ایشان، علم و فناوری ذاتاً نرم است و در آن زور راهی ندارد و به سادگی می‌توان آن را در چارچوب وسیع‌تر قدرت نرم تحلیل کرد. به تعبیر یکی از شرکت‌کنندگان در همایش دیپلماسی علمی به میزبانی انجمن علمی سلطنتی انگلستان در سال ۲۰۰۹، دیپلماسی علمی روش نوین در استفاده از هویج به جای چماق است (میرحسینی و محمدی دوستدار، ۱۳۹۳: ۱۳۰). از سوی دیگر، دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند به مثابه ابزار دولت‌ها در افزایش قدرت نرم جوامع مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین به اشتراک گذاشتن فناوری برای افزایش انتخاب‌های زندگی مردم و تقویت کالاهای عمومی و اجتماعی باعث می‌شود که به منزله ابزار مهمی در تقویت سیاست خارجی یک کشور به کار آید. این جنبه از قدرت نرم را بسیاری از ملت‌ها به صورت کارآمد و مؤثر استفاده نمی‌کنند. علم و فناوری ابزارهای تکمیلی برای بهره‌برداری از امتیازات قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی در اقتصاد دانش‌بنیان جهانی در حال ظهورند (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

از آن‌جا که دیپلماسی علمی پدیده‌ای نوظهور و در حال شدن است و تا کنون تمامی ظرفیت‌های خود را نمایانده است، لذا انتظار از این مکانیسم می‌بایست تعدیل گردد؛ از این‌رو، نباید اغراق کرد و آن را تماماً معادل قدرت نرم انگاشت. به نوشته برخی از پژوهشگران، «اگرچه اقدامات متعدد ذیل بعد علم برای دیپلماسی، به مفاهیم مصطلح در حوزه علوم سیاسی هم‌چون «قدرت نرم» و «دیپلماسی مسیر دوم» نزدیکند؛ اما معادل دانستن دیپلماسی علم با این مفاهیم، برداشت محدود از این مفهوم را در پی خواهد داشت. به‌عنوان مثال: اگرچه دیپلماسی مسیر دوم یا دیپلماسی شهروندی به نقش مؤثر افراد غیر رسمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی یک کشور اشاره دارد (سجادپور و نگین‌راز، ۲۰۱۴: ۲۱۳-۲۳۶) و در حوزه دیپلماسی علمی این نقش

می‌تواند توسط دانشمندان و متخصصان ایفا شود؛ اما در مواقع لزوم عالی‌ترین مقامات سیاسی برای پیشبرد دپلماسی پیشگام می‌شوند و لزوماً دپلماسی از مسیر غیر رسمی پیگیری نمی‌شود (عفت نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷).

۶. دپلماسی علمی و منافع ملی

همان‌گونه که در دنیای مدرن دپلماسی ابعاد و معانی بسیاری پیدا کرده، تعریف دولت‌ها از منافع ملی نیز به‌شدت دچار تغییر شده است. امروزه، دولت‌ها دایره تأمین منافع ملی را توسعه داده و آن را حتی در دوردست‌ها تعقیب می‌کنند. در این‌جا هنر دپلماسی علمی آن است کاری انجام دهد که دیگر حوزه‌های دپلماسی از انجام آن عاجز است. همان‌گونه که محقق روسی تأکید می‌کند، در شرایط کنونی دپلماسی علمی را می‌توان به‌عنوان ابزار ترویج منافع ملی کشور و علوم ملی در عرصه بین‌المللی توسط دانشمندان، سیاست‌مداران، دیپلمات‌ها و شرکت‌های تجاری مورد ارزیابی قرار داد. دپلماسی علمی و ابزارهای «قدرت نرم» که علم، فناوری و نوآوری اغلب شامل آن هستند، به ما اجازه می‌دهند دیدگاه‌ها درباره مشکلات، ارزش‌ها و اولویت‌ها را با همکاران‌مان در میان بگذاریم و مردم با دیدگاه‌های مختلف را متحد کنیم (آبراگیمووا، ۱۳۹۷: ۷).

دپلماسی علمی هرچند رگه‌های مشخصی از آرمان‌گرایی را در درون خود دارد؛ اما کاملاً با مکتب واقع‌گرایی نیز منطبق است؛ زیرا آشکارا در صدد برآوردن منافع ملی برمی‌آید. از نظر واقع‌گرایان، مبادلات علمی تا زمانی که باعث افزایش قدرت نسبی یک کشور در عرصه بین‌المللی می‌شود، امری مطلوب است؛ بنابراین، دولت‌ها زمانی دپلماسی علمی را دنبال می‌کنند که منافع ملی‌شان ایجاب کند. در نظام بین‌الملل آنارشیک دپلماسی علمی ابتدا با هدف کنترل تسلیحات و موضوع منع گسترش، که خود بخشی از نگرانی‌های امنیت ملی را شکل می‌دهد، به کار می‌رود. با وجود این، جایی که منفعت ملی کشورها به خطر بیفتد، کشورها همکاری نکردن در حوزه‌های علمی را ترجیح می‌دهند. با این اوصاف، دپلماسی علمی بیش‌تر پارادایمی دولت‌محور است و معمولاً از طریق نهادهای حکومتی دنبال می‌شود که خود بیانگر مرکزیت دولت در پارادایم رئالیست است. دپلماسی علمی که دولت‌ها آن را دنبال می‌کنند، اثرگذاری و پایداری بیش‌تری دارد؛ زیرا اولویتی برای قدرت در پارادایم رئالیست وجود دارد (طاهری،

ناگفته نمی‌توان گذاشت که در مناسبات بین‌المللی اگرچه ارتباطات علمی به غایت خود رسیده است؛ اما نمی‌توان همه آن‌ها را به پای دیپلماسی علمی نوشت؛ چه آن که تمایز میان دیپلماسی علمی و غیر آن در این است که دیپلماسی علمی هرچند دیپلماسی رسمی نیست؛ اما نهایتاً ابزاری در دست دولت‌هاست. در حقیقت، نهایتاً این دولت‌ها هستند که با توجه به تعریفی که از منافع ملی کشور متبوع خود دارند، انواع دیپلماسی را به خدمت می‌گیرند. لذا هرچند بسیاری دامنه دیپلماسی علمی را فراخ گرفته‌اند؛ اما برخی نیز معتقدند که این منافع ملی است که راه دیپلماسی علمی را از دیگر مناسبات و ارتباطات علمی و فناورانه جدا می‌کند؛ چنان‌که یکی از اندیشمندان مطالعات منطقه‌ای می‌نویسد: «آنچه دیپلماسی علمی را از دیگر انواع همکاری‌های علمی بین‌المللی متمایز می‌کند، رابطه مستقیم آن با منافع و اهداف ملی است؛ زیرا دیگر گونه‌های همکاری علمی گاه با هدف منافع اقتصادی و تجاری بدون مشارکت مستقیم دولت صورت می‌گیرد. دیپلماسی علمی بر پایه اصل منافع متقابل و اهداف مشترک بنا شده و وجود رابطه میان دو طرف، انگیزه اصلی انجام همکاری است. به طور کلی، تحقیق و توسعه در حوزه‌های علمی و فناوری به شدت سیاسی شده و کشورهای مختلف بسیار مراقب سرمایه‌های علمی خود و درآمد گران‌بهای آن هستند.» (کولایی و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۰۴۶).

۷. جایگاه دیپلماسی علمی در سیاست خارجی افغانستان

۷-۱. وضعیت علم و فناوری

با توجه به ضعف مفرط علم و فناوری در افغانستان، شاید سخن از دیپلماسی علمی برای سیاست خارجی افغانستان نامناسب تلقی گردد؛ اما حقیقت آن است که در جهان جهانی‌شده هیچ کشوری از هیچ پدیده‌ای نباید صرف‌نظر کند. تردیدی نیست که علم و فناوری در افغانستان روزگار مناسبی ندارد و این کشور همان‌گونه که دیگر نیازمندی‌های اصلی خود را از بیرون تهیه می‌کند، در حوزه علم و فناوری نیز مصرف‌کننده محض است. در حقیقت، توالی چهار دهه بحران و ناامنی در این کشور نظام آموزش در این کشور را فشل نموده و این موجب شده که سازمان‌های بین‌المللی از وضعیت تعلیم و تحصیل در افغانستان آمار وحشتناکی ارائه نمایند. وجود جمعیت بزرگ بی‌سواد در جامعه امروز افغانستان، نتیجه وضعیت سیاسی و اجتماعی

نیم‌قرن اخیر این کشور است. این در حالی است که کشورهای همسایه افغانستان، وضعیت متفاوتی دارند. در حالی که در ایران شمار جمعیت باسواد این کشور از ۸۵٪ عبور کرده است، در افغانستان شمار واقعی جمعیت باسواد به ۴۰٪ هم نمی‌رسد. به نظر می‌رسد که افغانستان در شمار کشورهای قرار دارد که بیش‌ترین جمعیت بی‌سواد را در خود جای داده و از نظام آموزشی کارآمد محروم است. بدتر از همه، جمعیت ده میلیونی زنان و دختران بی‌سواد، آینده تیره‌ای را در برابر حکومت افغانستان قرار داده است. آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد که اندازه سواد زنان تنها ۲۱٪ است و ممکن است که این رقم پایین‌تر از این هم باشد (بانک جهانی، ۲۰۰۵: ۱۰۳).

در دوره پسا طالبان هم نهادهای آموزشی عالی در سطح کمی جهش قابل توجهی داشته و هم در عرصه تعلیمات عالی و هم تحصیلات عالی دولت و بخش خصوصی فرصت‌های بسیاری ایجاد کرده‌اند. اما باید پذیرفت که نمی‌توان در کوتاه‌مدت انتظاری از آن برای تولید علم داشت. ضمن آن که سیستم تحصیلات عالی نیز به نحوی است که گویا اراده چندانی برای تولید علم و فناوری در دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلات عالی وجود ندارد. ضمن آن که در عرصه تحقیق و پژوهش نه دولت افغانستان و نه بخش خصوصی اهتمام چندانی نمی‌ورزند و حمایت چندانی از نیروهای نخبه و مستعد صورت نمی‌گیرد؛ از این رو، می‌توان به جرأت گفت که در حال حاضر خزانه علم و فناوری در افغانستان تهی است و در هیچ زمینه‌ای افغانستان حرفی برای گفتن ندارد.

بنیاد اندیشه

۷-۲. وضعیت بهره‌گیری از دیپلماسی علمی

مطابق آنچه در فراز پیشین گذشت، سیاست خارجی افغانستان شانس چندانی ندارد تا از دیپلماسی علمی به‌صورت فعال در عرصه سیاست خارجی استفاده کند. این در حالی است که کشورهای مجاور مانند چین، ایران و پاکستان رفته‌رفته در حال تبدیل شدن به قطب‌های علمی هستند. این کشورها به‌صورت هدفمندی از دیپلماسی علمی بهره می‌گیرند؛ به‌ویژه کشور چین که با جذب صدها هزار دانشجوی از مناطق مختلف جهان از این فرصت در حوزه دیپلماسی سود می‌برد و نفوذ خود را به‌عنوان قدرت نوظهور در سطح جهان تثبیت کرده است؛ کما این که کشورهایی مانند ترکیه، هند، ایران و پاکستان نیز که مناسبات تاریخی با افغانستان داشته‌اند، به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده علم و فناوری را به خدمت سیاست درآورده و با جذب ده‌ها هزار دانشجوی از کشورهای دیگر، از این فرصت در راستای تأمین منافع کلان ملی خود سود می‌برند.

جای امیدواری است که در دوره جدید در افغانستان به نوعی نهضت علمی آغاز شده و شمار بزرگی از جوانان برای ادامه تحصیل به کشورهای دیگر عزیمت کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه: در حال حاضر، به گزارش خبرگزاری ایسنا، به نقل از سفیر افغانستان در تهران، چهل هزار دانشجوی افغانی در دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند (<https://www.isna.ir>) که رقم خیره‌کننده‌ای است؛ کما این که به گفته مقامات سفارت افغانستان در دهلی‌نو، صرف‌نظر از هزاران فارغ‌التحصیلی که در پانزده سال گذشته از هند اسناد تحصیلی دریافت کرده‌اند، نزدیک به شانزده هزار دانشجوی افغانی هم‌اکنون بر کرسی دانشگاه‌های هند نشسته‌اند (<https://af.sputniknews.com>). ضمن آن که به گفته وزیر امورخارجۀ پاکستان، قریب به شش هزار دانشجوی افغان در دانشگاه‌های پاکستان شاغل به تحصیل‌اند (<http://markazipress.com>). به ارقام یادشده می‌توان هزاران دانشجو که در کشورهای دور و نزدیک دیگر تحصیل می‌کنند را افزود.

این پدیده برای دولت افغانستان نیز این امکان را فراهم نموده تا به کشورهای پذیرنده به‌عنوان دوستان افغانستان بنگرد. شواهد موجود حاکی از آن است که کشورهایی که در پذیرش دانشجو از افغانستان فعال‌تر بوده‌اند، در دیگر عرصه‌های دیپلماتیک نیز شریک پایدارتری برای افغانستان به شمار رفته‌اند که البته این برای افغانستان در حوزه دیپلماسی علمی امتیاز مناسبی است؛ به‌عنوان نمونه: در دوره پساطالبان، آمریکایی‌ها در افغانستان دانشگاه آمریکایی کابل را تأسیس کردند؛ کما این که تا به حال به بسیاری از محصلین این دانشگاه بورس‌های تحصیلی داده‌اند. کشور سوئیس نیز در سال‌های گذشته یک دانشگاه بین‌المللی در کابل دایر نموده است. کشور ترکیه در بیش‌تر ولایات افغانستان مدارس موسوم به افغان-ترک تأسیس نموده و سالانه تعداد زیادی از محصلین افغان را بورس نموده و برای بازدیدهای علمی و ادامه تحصیلات به دانشگاه‌های ترکیه می‌فرستد. ضمن این که ایرانی‌ها نیز با تأسیس چند واحد آموزش عالی در شهرهای مختلف افغانستان به‌شدت فعال بوده‌اند (داودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

اما راست آن است که اعزام دانشجو به خارج و رویکرد مصرف‌گرایانه به علم و فناوری، می‌تواند حاکی از انفعال در دیپلماسی نیز تلقی گردد. تجربه نشان داده است که کشورهای توسعه‌نیافته در بزنگاه‌های سیاست بین‌الملل با مخاطرات فراوانی مواجه‌اند و چه‌بسا شاهرگ حیات آنان در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد؛ از این‌رو، رویکرد انفعالی افغانستان در مواجهه با دیپلماسی علمی نمی‌تواند در بلندمدت گره از کار فروبسته کشور بگشاید. نگرانی



این‌جاست که دولت‌مردان افغانی سیاستی در پذیرش دانشجو از دیگر کشورها در دانشگاه‌های افغانستان ندارند و تعاملات جدی و مؤثری با نهادهای علمی بیرونی از خود نشان نمی‌دهند. افغانستان در عرصه علمی میزبان کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی معتبری نیست و در نتیجه دستگاه دیپلماسی نمی‌تواند با دست‌مایه‌های علمی و فناوری، محورهای مشترکی برای گشودن باب همکاری با دیگران پیدا کند.

۸. بایسته‌های تحول‌نگرش به دیپلماسی علمی در افغانستان

شوربختانه، در حال حاضر، سیاست خارجی افغانستان در سطح قابل قبولی امکانات بهره‌برداری از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی را ندارد و گفتیم که این کشور در این عرصه به‌عنوان میدان بازی دیگر کشورها قرار گرفته است. با وجود این، هم نظام آموزشی و علمی افغانستان و هم نهادهای مسئول سیاست خارجی این کشور اگر می‌خواهند افغانستان حداقل در سطح منطقه اعتباری پیدا کند، ناگزیرند راهی را که دیگران رفته‌اند، در پیش گیرند و به‌صورت مشخص در سه حوزه ذیل دست به انقلاب بزنند.

۸-۱. تقویت بنیه‌های آموزش و پژوهش

وجود زیرساخت‌های آموزش و در کنار آن پژوهش، مایه حیات علم و فناوری در هر کشوری است. در شرایط کنونی، کیفیت و یا تعداد تسلیحات نظامی تعیین‌کننده قدرت دولت‌ها نیست. در جهانی که سرنوشت ملت‌ها به هم گره خورده است، قدرت نرم در ابعاد مختلف تعیین‌کننده است. آمار نشان می‌دهد که تمامی قدرت‌های بزرگ از نظام‌های آموزشی و پژوهشی مقتدری برخوردارند. دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایالات متحده آمریکا نه تنها در جهان برترین است؛ بلکه موجبات جذب بیش از یک میلیون دانشجو از سراسر جهان را در خود فراهم آورده است؛ کما این که پس از آمریکا، انگلستان و چین رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند (<https://www.hamshahrionline.ir>)؛ اما در سوی مقابل، افغانستان از این حیث در ردیف عقب‌مانده‌ترین کشورها قرار دارد و چه‌بسا با توسعه‌نیافته‌ترین کشورهای آفریقایی برابری می‌کند؛ به‌عنوان نمونه: در بخش تحصیلات عالی آمار نیروهای انسانی به‌شدت نگران‌کننده است. مطابق یک گزارش، فقدان هیأت علمی مناسب و نبود تأسیسات آزمایشگاهی و کتابخانه و ... مانع از آن بوده است که افغان‌ها در زمینه تولید علم توفیقات چشم‌گیری داشته باشند. بیش از ۶۵

درصد اساتید دانشگاه‌های افغانستان تحصیلاتی در حد لیسانس دارند و ۳۰ درصد در حد فوق لیسانس و تنها کم‌تر از ۵ درصد آن‌ها را دارندگان مدرک دکتری تشکیل می‌دهند. بخش عمده این اساتید مسن بوده و بسیاری از آن‌ها بدون فراگیری مهارت‌های تدریس به صرف فراغت از تحصیل به کلاس درس می‌روند (داودی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

در بخش‌های دیگر مرتبط با علم و فناوری به حفره‌های دیگری نیز می‌توان اشاره نمود؛ اما کلیدی‌ترین نکته که هم توجه بخش دولتی و هم بخش خصوصی را می‌طلبد، آن است که زیرساخت‌های آموزش و پژوهش بر هر امر دیگری در افغانستان می‌باید ترجیح داده شود. دولت افغانستان بودجه بسیاری را در عرصه امنیت هزینه می‌کند؛ اما با وجود تحولات مثبتی که ایجاد شده، بخش آموزش و به‌ویژه پژوهش در این کشور بسیار نحیف و ضعیف است. در حقیقت، متولیان نظام آموزشی افغانستان، چه دولتی و چه خصوصی، بر این باورند که وظیفه آنان نشر دانش است؛ اما چندان به این نمی‌اندیشند که آنان مسئولیت تولید علم را نیز بر عهده دارند؛ لذا تا وقتی که نظام آموزش و پژوهش افغانستان در سطوح کیفی و کمی جان تازه‌ای نگیرد، این نظام اندیشمند و دانشمند تولید نخواهد کرد و افغانستان کماکان از مزایای دیپلماسی علمی محروم خواهد ماند.

۸-۲. رویکرد تولیدی به علم و فناوری

گفته شد که رویکرد نهادهای علمی و فنی در افغانستان غالباً آموزشی است و این کشور فاقد نهاد مستقلی است که به امر پژوهش و تولید علم بپردازد. آکادمی علوم افغانستان در امر پژوهش و تولید علم به شدت زمین‌گیر است و این مرکز به امر ترویج و تولید فناوری هرگز نزدیک نشده است. تقریباً می‌توان گفت دانشگاه‌های دولتی و خصوصی افغانستان بهای چندان‌ی به امر پژوهش نمی‌دهند و این مهم را به آینده واگذاشته‌اند؛ بنابراین، طبیعی است که در چنین شرایطی دست نهادهای سیاست خارجی خالی است و این نهادها نمی‌توانند منافع ملی افغانستان را از معبر علم و فناوری دنبال کنند. تحصیل هزاران دانشجوی افغانی در کشورهای دور و نزدیک خبر مسرت‌بخشی برای دستگاه دیپلماسی است؛ چه آن که علاوه بر تربیت نیروی انسانی برای آینده، دستگاه دیپلماسی افغانستان بهانه‌ای برای ارتباط بیشتر با کشورها می‌یابد و در ضمن آن فرصت پیدا می‌کند تا سایر موضوعات مربوط به منافع ملی را تعقیب نماید. اما نگرانی در این جاست که بسیاری از دانش‌آموختگان و آنانی که در خارج از کشور تخصصی یافته‌اند، تمایل چندانی برای

بازگشت به افغانستان ندارند؛ ضمن آن که نخبه‌های پیش‌تری هر ساله از افغانستان برای یافتن ساحل امن افغانستان را ترک می‌کنند.

آمار روشنی در دست نیست تا نشان دهد افغانستان از حیث شاخص‌های تولید علم در منطقه و جهان در چه جایگاهی قرار دارد؛ اما شواهد و نشانه‌ها حاکی از آن است که افغانستان در حوزه تولید علم و فناوری فرسنگ‌ها با کشورهای منطقه و همسایه فاصله دارد. این در حالی است که از منظر کشورهای توسعه‌یافته و قدرت‌های جهانی، نگاه به علم و دیپلماسی مبتنی بر آن کاملاً در مسیر تخصصی شدن قرار گرفته و اصطلاحاتی مانند «دیپلماسی خلع سلاح» و «دیپلماسی محیط‌زیست» مفاهیم غریب پنداشته نمی‌شود (قادری، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین، وضعیت افغانستان در حوزه علوم و فنون محکوم به تغییر است. اگرچه بحران‌های سیاسی متوالی و مهم‌تر از آن ناامنی‌های گسترده شرایط تولید علم در افغانستان را سخت کرده است؛ اما این نمی‌تواند بهانه کافی برای کنار کشیدن از حوزه تولید علم را فراهم آورد. تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که کشورهایی مانند آلمان و ژاپن در شرایط سخت و در حالی که درگیر جنگ‌های بزرگ جهانی بودند، اما هرگز عرصه علم و فن را رها نکردند. هرچند در آن دوره نگاه آنان به علم معطوف به قدرت سخت بود؛ اما تجربه این کشورها نشان می‌دهد که در میدان بازی‌های سیاسی هیچ کشور عقب‌مانده‌ای جدی گرفته نخواهد شد.

۸-۳. نگاه ابزاری به علم و فناوری در سیاست خارجی

علم هرچند در ذات خود بسی ارزشمند است و در ابعاد مختلف زندگی گره از کار بشر می‌گشاید؛ اما برای دیپلماسی، علم و فناوری ابزاری بیش نیستند (قشقاوی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). با توجه به فقدان ظرفیت‌ها و سرمایه‌های علمی و فنی در افغانستان، دستگاه دیپلماسی افغانستان امکانات محدودی در اختیار دارد. به‌عنوان مثال: اعزام چند هزار دانشجو به خارج و انعقاد پیمان‌های دوستی صوری میان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی افغانستان ثمره چندانی به حال سیاست خارجی ندارد. در حقیقت، می‌توان بخش بزرگی از بده‌بستان‌های آموزشی و علمی میان افغانستان و سایر کشورهای جهان را از سنخ ارتباطات علمی انگاشت نه دیپلماسی علمی؛ چه آن که پیش از این گفته آمد که علم در صورتی به کار دیپلماسی می‌آید که به‌عنوان ابزار در خدمت تأمین منافع ملی قرار گیرد؛ در غیر این صورت، مناسبات پیچیده میان نهادهای علمی و تحصیلی افغانستان و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی دیگران را نمی‌توان به پای دیپلماسی علمی نوشت.

از سوی دیگر، اعطای بورس‌های تحصیلی از سوی اقتصادهای بزرگ جهان ارتباط وثیقی با دیپلماسی علمی دارد؛ به‌عنوان مثال: در چند دهه اخیر «کمک‌های آموزشی» همواره بخشی از کمک‌های بین‌المللی کشورهای صنعتی به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بوده است. (Jichul, 2007) از آن‌جا که اغلب نخبگان سیاسی از میان دانشگاهیان برگزیده می‌شوند، گسترش اعطای بورس‌های بین‌المللی و پذیرش دانشجویان خارجی علاوه بر این که موجبات استحکام روابط سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها را تدارک می‌بیند، به منزله نوعی معرفی فرهنگ و جامعه خود به رهبران سیاسی و مدیران ارشد آینده کشورهای جهان نیز هست (محسنی سهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۱۶). اگر در صحنه بین‌الملل آمریکا، انگلستان، چین و آلمان به صدها هزار دانشجو و نیروی نخبه کشورهای دیگر بورس تحصیلی اعطا می‌کنند، به خوبی آگاه‌اند که در آینده نزدیک صدها هزار نماینده خویش را به کشورهای مبدأ اعزام می‌کنند. این دولت‌ها با صرف هزینه‌های بسیار علم و فناوری را در خدمت سیاست قرار می‌دهند تا با نزدیک شدن با دولت‌ها، افکار و اذهان ملت‌ها را به سوی خود جلب کنند و در نتیجه ضمن تأمین منافع ملی‌شان، توسط سفیران علمی ارزش‌های‌شان را نیز به آن سوی مرزها صادر کنند.

نتیجه‌گیری

تأمین منافع ملی از سوی دولت‌ها در جهان کنونی مرهون استفاده از اهرم‌ها و ابزارهای جدید است. امروزه، علم و فناوری عنصر و شاخص اصلی قدرت ملی کشورهاست و کشورهایی که در دنیای علم و فناوری حرفی برای گفتن ندارند، در نظام بین‌الملل بازی داده نمی‌شوند؛ بلکه به بازی گرفته می‌شوند. متأسفانه بحران‌های ممتد سیاسی و ناامنی‌های متوالی، شدیدترین صدمات را به بنیادهای آموزش و علم در افغانستان وارد آورده و این کشور را در مقایسه با کشورهای همجوار دهه‌ها عقب انداخته است. در حال حاضر، سیاست خارجی افغانستان نسبت به دیپلماسی علمی منفعل عمل می‌کند و نقشی در مبادلات دانش و فن در عرصه جهانی و منطقه‌ای ندارد.

بنابراین، سخن از ابزار دیپلماسی علمی برای سیاست خارجی افغانستان را می‌باید با قدری تسامح و تنزل مطرح کرد. با وجود این، افغانستان ناگزیر است برای این که بیش از این در چشم جهانیان و دولت‌ها و ملت‌های منطقه خوار جلوه نکند، راهی به سوی دیپلماسی علمی بگشاید.

اعزام چند هزار دانشجوی به خارج که بخش بزرگی از آن‌ها به افغانستان باز نمی‌گردند و امضای معاهده‌های همکاری صوری و تشریفاتی میان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با نهادهای علمی بیرونی، اولاً دستاورد کلانی نیست و ثانیاً ارتباط چندانی به دیپلماسی علمی ندارد. دیپلماسی علمی زمانی معنا پیدا می‌کند که دولت‌مردان افغانستان در همکاری‌های واقعی با نهادهای علمی بیرونی را بگشایند و با دعوت از اندیشمندان و دانشمندان به افغانستان و بومی‌سازی دانش مدرن، راه و رسم تحقیق و تولید علم را فراگیرند. بدون تردید تا زمانی که علوم و فنون در افغانستان از آب و گل درنیابند و نام این کشور در رنکینگ جهانی تولید علم و آن هم در رتبه قابل قبولی داخل نشود، سیاست خارجی افغانستان و منافع ملی این کشور از دیپلماسی علمی طرفی نخواهد بست.

منابع:

۱. آبراکیمووا، ک. آ. (۱۳۹۷)، «دورنمای دیپلماسی علمی روسیه»، استیتوت دولتی روابط بین‌الملل مسکو (دانشگاه) و وزارت امور خارجه روسیه، تهران، دفتر ریاست جمهوری.
۲. بانک جهانی (۲۰۰۵)، افغانستان احیای مجدد ملی و زدایش فقر؛ زنان در آینده افغانستان، کابل.
۳. بلیس، جان (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
۴. داودی، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علم و فناوری ایران در افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱.
۵. ذوالفقارزاده، م. و ثنایی، م. (۱۳۹۲)، «دیپلماسی علم و فناوری؛ چهارچوب نظری و پیشنهادهای عملی»، مجله رهیافت، شماره ۵۴.
۶. سجادیور، م. و نگین‌زار، پ. (۲۰۱۴)، «بایسته‌ها در مدل ارزیابی تکنیک دیپلماسی مسیر دوم»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲، شماره ۲۸.
۷. طاهری، ابراهیم (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای مدل دیپلماسی علمی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، مجله مطالعات روابط فرهنگی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۱.
۸. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۷۷)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. قادری، روح‌الله (۱۳۹۲)، دیپلماسی پنهان، تهران، مرکز باقرالعلوم.
۱۰. قشقاوی، حسن (۱۳۹۸)، دیپلماسی عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. قوام، عبدالملکی (۱۳۸۴)، «از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۷.
۱۲. کولایی، الهه و حمیدرضا عزیززی (۱۳۹۶)، «دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۴.

۱۳. محسنی سہی، ہدی و همکاران (۱۳۹۴)، «تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مجله مدیریت در دانشگاه آزاد اسلامی، دورہ ۴، شماره ۹.
۱۴. میرحسینی، سید عبدالحمید و محمدی دوستدار، حسین (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم»، دوفصلنامه قدرت نرم، سال چهارم، شماره ۱۱.
۱۵. نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمہ سید محسن روحانی و مهدی ذولفقاری، تهران، انتشارات امام صادق(ع).
۱۶. نظیفکار، غزالہ (۱۳۹۱)، «مرزهای جدید در دیپلماسی علم»، نشریہ ترویج علم، شماره ۳.
۱۷. نوروزی، عفت و همکاران (۱۳۹۷)، «واکاوی مفهوم و بعد دیپلماسی علم و فناوری مبتنی بر رویکرد فراترکیب»، فصلنامه مدیریت نوآوری، سال ہفتم، شماره ۲.
۱۸. وایت، برایان (۱۳۷۹)، دیپلماسی دورہ عالی جنگ، ترجمہ سیدحسین محمدی نجم، تهران، سپاہ پاسداران.
۱۹. ہادیان، ناصر (۱۳۹۲)، «انتظار جامعہ علمی از دستگاه دیپلماسی کشور»، دیپلماسی ایرانی، در: <http://irdiplomacy.ir>

20. Davis, L.S.(2014), Science diplomacy: new day or false dawn? World Scientific.
21. Oxford(2018), Oxford Dictionary-Retrieved, From <http://www.oxforddictionaries.com>.
22. Cyranoski, David(2010) "The scientific diplomat." Nature, vol. 463, no. 7279, Gale Academic Onefile, Accessed 13 Nov. 2019
23. TWAS(2016), Science Diplomacy, available at: <http://twas.org/science-diplomacy>(accessed on: 8/5/2016)
24. Nye, J.S(2004), Soft Power: The means to success in world politics, public Affairs.
25. . Nye, Jr, Joseph S.(1990), The Misleading Metaphor of Decline, The Atlantic Monthly.
26. Jichul, K.(2007), Effective Organizational Characteristics for International Student Enrollment Service. Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of Auburn University in Partial.
27. <http://www.hamshahrionline.ir/news/396647>.
28. <https://www.isna.ir/news/98060502578>.
29. <https://af.sputniknews.com/afghan/20160916871155>.
30. <http://markazipress.com/?p=50543>.

